

محله‌ای که با قمه و قداره به شاه حمله شد

حدود صد و هفتاد سال قبل در محله دزاشیب به ناصرالدین شاه قاجار که سوار بر اسب راهی شکار بود، حمله شد. او در این ماجرا آسیب جدی ندید ولی بهانه‌ای شد برای قلع و قمع فرقه بابیون در ایران.

به گزارش سایت خبری پرسون، محله دزاشیب جزء محله‌های شمال شهر و با قدمتی بیش از ۲۵۰ سال، مسیر گذار به فرمانیه و نیاوران و دربند بوده و مانند سایر محله‌های شمیران مورد توجه خاندان قاجار و درباریان برای گذراندن و تفریح در بیلاقات شخصی بود. از آن محله سرسبز و باغ و قنات‌های فراوان اکنون تا چشم کار می‌کند فقط برج و ساختمان و خیابان و کوچه‌های پر پیچ و خم به‌جا مانده است.

محله دزاشیب قسمتی از منطقه یک شهرداری تهران محسوب می‌شود که از شرق به تجریش، از غرب به خیابان شریعتی، از شمال به محله امامزاده قاسم و از جنوب به قیطریه محدود می‌شود. مردم محلی قسمت بالای دزاشیب را محله بالا و جنوب آن را محله پایین می‌گویند. بیشتر اهالی اولیه این محله را مهاجران مازندرانی تشکیل می‌دادند و گویش قدیمی‌های محل به گویش مازنی نزدیک بود. اکثر مردم قدیم محل نیز به کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند.

تکیه ۲۵۰ ساله

با اینکه اکنون شکل ظاهری محله دزاشیب خیلی تغییر کرده است، ولی هنوز رد پای گذشته و کوچه‌های قدیمی را می‌توان دید. یکی از مکان‌های قدیمی محله «تکیه سیدالشهداء» است و به عنوان اثر ملی به ثبت رسیده است. این تکیه قدمتی بیش از ۲۵۰ سال دارد و با مساحتی حدود ۴۰۰ متر در دو طبقه، در ایام سوگواری امام حسین(ع) مراسم عزاداری در این تکیه قدیمی همچنان پرشور برگزار می‌گردد.

در باره نام و پیشینه این محله نصرالله حدادی، تهران شناس، می‌گوید: «نام دزاشیب در متون قدیمی به غلط «دزآشوب» آمده است که دکتر حسین کریمان از قول یاقوت حموی می‌نویسد: دزاشیب ابتدا «از ده‌های قدیم ری بوده مانند «دزاه قصران»، «دزاه ورامین» و «دزاه شیب» در محدوده ری باستان قرار می‌گرفت. مرحوم اعتمادالسلطنه می‌نویسد: در قره ۱۲۱۵ قمری در قرای نزدیک شمیران برادر حضرت خاقان پناه می‌گیرد. منظور از حضرت خاقان آقا محمدخان قاجار بود که زمان فتح تهران برادرش در همین منطقه دزاشیب مخفی شده بود. این نوشته قدمت محله دزاشیب را نشان می‌دهد.»

حدادی ادامه می‌دهد: «حجت بلاغی در باره محله دزاشیب نوشته این محله ۱۵۰۰ نفر سکنه داشته در آن زمان و دارای یک باب مسجد یک باب تکیه که هم اکنون موجود است، یک باب گورستان و غسالخانه، یک باب قهوه خانه، یک باب مغازه و دو باب آب انبار است. دکتر کریمان نیز می‌گوید دو رشته قنات نیز از رودخانه دربند به محله دزاشیب مشرب می‌شد و انواع میوه‌ها و غلات در باغ‌ها و مزارع کاشته می‌شد. اکنون جای آن باغ‌ها و کشتزارها را ساختمان‌ها و خانه‌ها گرفته‌اند.»

حمله با تیر و قمه و قداره به ناصرالدین شاه

حدادی در باره اتفاقات مهم محله دزاشیب توضیح می‌دهد: «در محله دزاشیب یک اتفاق مهم رخ می‌دهد در سال ۱۲۳۱ شمسی ناصرالدین شاه که به قصد شکار از کاخ نیاوران به سمت شکارگاه بود از دزاشیب رد می‌شد که عده‌ای از بابیون با تیراندازی و سپس با قداره و قمه به او حمله کردند. شاه از این حملات جان سالم به در برد ولی کینه آنها را به دل گرفت.»

ماجرا از این قرار بود که بعد از غائله زنجان که امیرکبیر عده‌ای از بزرگان فرقه بابیت را دستگیر و زندانی و اعدام کرده بود، بابیون درصدد گرفتن انتقام از شخص شاه و امیرکبیر و امام جمعه تهران بودند. از طراحان اصلی این حمله «حسینعلی میرزا و ملاشیخ علی عظیم» بودند. بعد از ترور نافرجام ناصرالدین شاه این افراد دستگیر و کشته شدند.

محله دزاشیب هم مانند سایر محله‌های شمیران مملو از باغ‌های سرسبز با جوی‌های روان بودند. از باغ‌های معروف محله باغ مجدالدوله یا باغ دوقلو متعلق به مجدالدوله داماد ناصرالدین شاه است. باغ حاجی فخرالملک، باغ اعلم متعلق به اسدالله اعلم، باغ محمد صراف و باغ ایگار از مهمترین باغات این محله است.